

تحلیل مؤلفه‌های حکمت در نهج البلاغه با استفاده از تحلیل محتوا

بهرام رنجبریان*، سید محسن علامه**

مجید رشید کابلی***، محمود غلامی کرین****

چکیده

حکمت در لغت به معنی ژرف اندیشی، ظرفیت قضاوت درست در مورد زندگی و درستی و پایداری قضاوت در انتخاب ابزار و اهداف می باشد. حکمت فراتر از داده، اطلاعات و دانش می باشد. حکمت فرایندی است که به وسیله آن بین خوب و بد قضاوت می شود. حکمت خصیصه ای انسانی است. بررسی مطالعات مختلف وجود مؤلفه های آگاهی، اصول اخلاقی، ملاحظات اجتماعی و عمل را در حکمت تأیید می کند. هدف این پژوهش تبیین مفهوم حکمت و مؤلفه های اصلی آن برای مدیران با استفاده از نهج البلاغه و تحلیل محتوا می باشد. فرضیه های پژوهش مبتنی بر رابطه اصول اخلاقی، آگاهی، ملاحظات اجتماعی و عمل با حکمت در نهج البلاغه و تأکید نهج البلاغه بر حکمت، آگاهی، اصول اخلاقی، ملاحظات اجتماعی و عمل می باشد. ۲۳۸ مورد از سخنان کوتاه حکمت آمیز نهج البلاغه که حاوی مضامین یاد شده بودند، جهت تحلیل محتوای کمی و کد گذاری به عنوان جامعه آماری تعیین شدند. سپس کلیه حکمت های منتخب مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند. مقولات تحقیق از نوع موضوعی بودند. نتایج تحلیل نشان می دهد که حکمت با اصول اخلاقی، آگاهی، ملاحظات اجتماعی و عمل رابطه دارد و حکمت و مؤلفه های اصلی آن در نهج البلاغه مورد تأکید هستند. اصول اخلاقی بیشترین رابطه را با حکمت دارد و مهم ترین مؤلفه حکمت است. مهم ترین شاخص حکمت، دانش می باشد و شکیبایی، مهم ترین شاخص اخلاقی از دیدگاه نهج البلاغه به شمار می آید.

کلید واژه‌ها: حکمت، دانش، اصول اخلاقی، ملاحظات اجتماعی، نهج البلاغه، تحلیل محتوا.

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۵/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱۱/۲.

* دانشیار گروه مدیریت دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

** استادیار گروه مدیریت دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

*** استادیار گروه مدیریت دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

**** دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی _ بازاریابی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

Email: m.gholami30@yahoo.com

مقدمه

حکمت، حیات دل مرده است. چشم کور را بینایی است و گوش کر را موجب شنوایی و در آن همه بی‌نیازی و سلامت وجود دارد [۸]. در فرهنگ لغت انگلیسی وایز، خردمند، فرزانه، حکیم و باتدبیر و ویزدم، عقل، خردمندی، درایت، فرزاندگی، حکمت و تدبیر ترجمه شده است [۱]. در فرهنگ لغت فارسی حکمت به معنی علم، حلم، راستی، درستی، عدل، کلام موافق حق، معرفت حقایق اشیا و انجام فعل پسندیده آمده است [۱۸]. حکمت از نظر مصریان ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد چیزی بود که کمتر واجد ارزش علمی و بیشتر واجد علایق عقلایی آنان، منفعت‌گرایی و سودمندی بوده است [۲۴]. حکمت به معنی نوعی از استواری و تحکیم است؛ یا چیزی که به گونه‌ای تحکیم و استوار شده باشد، به طوری که هیچ خلل و سستی در آن راه نیابد. معمولاً این کلمه درباره دانش‌های عقلانی راست و درست به کار می‌رود که نادرستی و دروغ در آن راه ندارد. به همین جهت در روایات نیز حکمت به معرفت، بصیرت، آگاهی در دین، اطاعت خدا و شناخت امام تفسیر شده است؛ زیرا این معارف، اساس سعادت بشر را تضمین می‌کند [۱۲].

عصری که در حال حاضر مدیران با آن مواجه هستند، عصر حکمت است. در عصر حکمت باید راه‌های تفاهم هر چه بیشتری را جست و جو کرد و به جای صرف پردازش داده‌ها با فرآیندهای پردازش آشنا شد. در این عصر بر خلاف عصر کشاورزی، صنعتی و دانش، از نیروی فکری همراه با اعتماد استفاده می‌شود [۱۰]. حکمت فراتر از دانش، اطلاعات و داده است [۳۲]. حکمت موجب تقویت توانایی تفکر استراتژیک مدیران شده و ظرفیت آنها را برای پیش‌بینی واکنش دیگران ارتقا می‌دهد [۲۵]. در مبانی نظری مدیریت، اطلاعات محدودی پیرامون حکمت یافت می‌شود. اکنون ضرورت مطالعه در خصوص ماهیت حکمت به طور اعم و حکمت مدیریتی به طور اخص بیش از پیش احساس می‌شود [۳۵]. حکمت فرایندی است که به وسیله آن بین خوب و بد قضاوت می‌شود. بنابراین کامپیوترها حکمت ندارند و هرگز توانایی احراز حکمت را نخواهند داشت. حکمت، منحصرأ از جمله خصایص انسانی است [۳۲]. استفاده ناشایست از حکمت غیرممکن است چنانچه که نمی‌توان انتظار داشت که شخصی حکیم دارای رفتار غیر اخلاقی باشد [۲۷]. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمت نیز، اصول اخلاقی است و در اصطلاح به این امر می‌پردازد که چگونه باید زندگی کرد و چه کاری درست است و چه کاری غلط است و با عمل ارتباط دارد. می‌توان اخلاق بازرگانی و کسب و کار را مجموعه معیارها، استانداردها، سنت و قواعدی دانست که هدایت کسب و کار را به عهده دارند. مسئولیت‌های قانونی بنگاه‌ها الزاماتی است که بنگاه‌ها موظف به رعایت آن هستند. اما مسئولیت‌های اخلاقی از اموری هستند که انتظار می‌رود بنگاه‌ها به احترام جامعه و یا به خاطر ملاحظات شخصیتی خود رعایت

نمایند ولی قانوناً به آن ملتزم نیستند [۷]. اخلاق در معادلات رفتاری شرکت‌هایی که به دنبال کسب درآمد و منافع بلندمدت هستند، نقش کارسازی دارد [۷]. التزام به اخلاق در بازرگانی و کسب و کار موجب نوعی اعتماد می‌شود که خود سرمایه اجتماعی و ارزشمند محسوب می‌شود و موفقیت بلندمدت بنگاه را تضمین می‌کند [۳۰]. یکی دیگر از مؤلفه‌های موجود در حکمت، ملاحظات اجتماعی است که در واقع تعهد سازمان‌های کسب و کار را جهت به حداکثر رساندن منافع و حداقل رساندن هزینه‌های اجتماعی نشان می‌دهد [۷].

یکی از حوزه‌هایی که در مبانی نظری مربوط به اخلاق، کمتر مورد توجه قرار گرفته، فضیلت‌های اخلاقی به عنوان الگوی تصمیم‌گیرندگان سازمان می‌باشد [۳۴]. همان‌طور که ارزش‌های مشترک، اعضای گروه را وادار به انجام کارهای مفید می‌کند، همچنین می‌تواند آنان را به انجام کارهای متعصبانه و بدبینانه نسبت به افراد خارج از گروه وادار کند. ارزش‌های مشترک و جهان‌بینی مشترک، عقلانیت و سودمندی گروه را تضمین نمی‌کند زیرا این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند و هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، باید شامل سجایایی مانند صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد [۱۴].

مذهب به طور کلی و اسلام به طور خاص حاصل جمع سه عنصر عقیده، اخلاق و احکام می‌باشد که بعد اخلاقی، فراگیرترین و کارسازترین بخش آن است [۳۱]. در صورتی که امور اخلاقی، پشتوانه عقیدتی و دینی داشته باشند نوعی هسته انرژی‌زا برای کارآمد ساختن آنها حاصل خواهد شد [۷]. از طرفی دیدگاه‌ها، الگوها و ارزش‌های اسلامی، برخلاف مکاتب و الگوهای مدیریتی به دست آمده از پژوهش‌های دانشمندان در جوامع انسانی و محیط‌های سازمانی گوناگون، به جامعه و فرهنگ معینی اختصاص نداشته و در کلیه جوامع و سازمان‌ها به طور یکسان مصداق و کاربرد دارد. مکتبی که براساس فطرت بنا شود، توصیف و تجویزهایش محدود به جامعه خاص در مقطع زمانی معین نخواهد بود و تغییر فرهنگ حاکم بر جامعه، منجر به ناکارآمدی آنها نخواهد شد [۹]. ارزش‌های اسلام، بر خیر و مصلحت انسان و تعالی و آزادگی او ارجح می‌نهند و تلاش می‌کنند تا رشد روح متعالی وی را تحقق بخشند و پایه‌ای برای زندگی توأم با مسئولیت و منطبق بر اصول اخلاقی را برای وی فراهم کنند [۳].

یکی از کتب اسلامی که روزگار از کهنه کردن آن ناتوان بوده و گذشت زمان و ظهور افکار و اندیشه‌های نوتر و روشن‌تر، بر ارزش آن افزوده است، نهج البلاغه است. مخاطب سخن حضرت علی (ع) انسان است و به همین جهت نه‌مرز می‌شناسد و نه‌زمان [۱۷]. باتوجه به فقدان چارچوب پذیرفته شده گسترده برای حکمت و ضرورت ارائه مفهومی بومی و مبتنی بر ارزش‌ها و آموزه‌های مکتبی، این پژوهش در پی تبیین حکمت و مؤلفه‌های اصلی آن با

محوریت قرار دادن نهج البلاغه، فوق کلام مخلوق و در پرتو کلام خالق [۸]، از طریق تحلیل محتوا می باشد.

پیشینه تحقیق

نظر به بدیع و جدید بودن پژوهش حاضر، تحقیقی دقیقاً مشابه با این موضوع چه در داخل و چه در خارج از کشور یافت نشد ولی مطالعاتی در زمینه‌ی اصول اخلاقی، ارزش های اسلامی، نهج البلاغه و حکمت قابل بازیابی می باشند. در ادامه به چند مورد از مهمترین، جدیدترین و مرتبط ترین مطالعات انجام شده در ایران و سایر کشورها اشاره می شود.

فروتنی و همکاران مطالعه ای بر روی الگوی تصمیم گیری راهبردی امام خمینی (ره) انجام داده اند. این الگو متشکل از دو بعد اصلی کیفیت شناخت موضوع و کیفیت اصول و مبانی است که دو پایه تصمیم، یعنی حقیقت گرایی (آرمان گرایی) و واقع گرایی را تشکیل می دهند. در این الگو هر اندازه درک از اصول و مبانی و پایبندی و التزام به آن عمیق تر و شناخت از شرایط و مقتضیات موضوع به واقعیت امر نزدیک تر باشد تصمیم ها حکیمانه تر خواهد بود. متن و محتوای مورد تحلیل ۲۲ جلد کتاب صحیفه امام خمینی (ره) می باشند. براساس یافته های پژوهش، ۷۴ اصل ارزشی و اعتقادی به عنوان اصول حاکم بر تصمیم های راهبردی امام خمینی (ره) از متن بیانات ایشان استخراج شده است که در رأس این اصول، اصل اتکا و اتکال به خدا قرار دارد و می توان گفت که تصمیم های راهبردی امام خمینی (ره) مبتنی بر تصمیم گیری حکیمانه است [۱۳].

مورفی پژوهشی با عنوان مبنای اخلاقی بازاریابی رابطه ای با رویکرد فضیلت های اخلاقی انجام داد. در این پژوهش پس از بررسی و تحلیل محتوای ادبیات بازاریابی رابطه ای، الگوی مدیریت ارتباط با مشتری اخلاقی طراحی گردیده است. این الگو بیان می کند که سه فضیلت اعتماد، تعهد و کوشش دیدگاه اخلاقیات فضیلتی را به مدیریت ارتباط با مشتری موفق متصل می نماید. علاوه بر این سه فضیلت اصلی، فضیلت های درستی، انصاف، احترام و همدلی به عنوان عناصر تسهیل کننده و حمایت کننده در مدیریت ارتباط با مشتری می باشند [۲۸].

اخوان کاظمی مفهوم کارآمدی و کارایی را در آموزه های نهج البلاغه بررسی نموده و پس از تبیین شاخصه های کارآمدی از دیدگاه نهج البلاغه، نتیجه گیری می شود که مفهوم کارآمدی و شاخصه های تحقق آن به وضوح در نهج البلاغه، هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم مورد بحث قرار گرفته است و کارآمدی مزبور دارای شاخصه ها و اصولی بدین شرح می باشد: عدالت ورزی، شایسته سالاری، مجرب گرایی، نظارت و کنترل، ضابطه و قانون گرایی به

جای رابطه گرایی، امانت داری، تکلیف گرایی و مسئولیت شناسی، الگو بودن رهبران و مدیران و ساده زیستی آنان، کفاف و قناعت و پرهیز از اسراف [۲].

دادگر، اخلاق بازرگانی (وکسب و کار) را از منظر اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش نشان داده شده است که التزام به اخلاق در امور کسب و کار از منظر اسلامی، در راستای تقویت کارآیی امور اقتصادی است. عدالت و انصاف، شفافیت و صداقت، اعتماد و احترام متقابل، خلوص نیت، فرض حسابرسی خداوند، تشویق به کار و رقابت، توجه به نفع شخصی گسترش یافته، حفظ نوعی تعادل در تولید و مصرف و ممنوعیت فعالیت های مبتنی بر ربا، رشوه و سفته بازی محض و ائتلاف منابع از نهادهای اخلاقی و عقیدتی در کسب و کار اسلامی محسوب می شوند [۷].

راولی تحقیقی با عنوان آنچه نیاز است در مورد حکمت فراگرفته شود، انجام داده است. هدف پژوهش بررسی ماهیت و نقش حکمت در سازمان ها می باشد. این پژوهش مطالب متنوع نوشته شده در خصوص حکمت را در مبانی نظری مرتبط با فلسفه، روانشناسی، مدیریت و مدیریت دانش گردآوری و مورد بررسی قرار داده است. چهار سوال اصلی پژوهش عبارتند از: (۱) چرا حکمت می تواند برای سازمان ها مهم باشد؟ (۲) حکمت چیست و چه رابطه ای با دانش دارد؟ (۳) ارتباط حکمت با رهبری در چیست؟ (۴) حکمت سازمانی چیست و چگونه می تواند توسعه یابد؟ با بررسی دیدگاه ها و مطالعه های مختلف در خصوص حکمت در نهایت نتیجه گیری می شود که حکمت کاربرد آگاهانه دانش با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی و اجتماعی است که در عمل نمایش داده شود. حکمت به عنوان عنصر مرکزی رهبری معرفی می شود. این پژوهش فهم حکمت و مفاهیم مرتبط با آن نظیر حکمت سازمانی، حکمت مدیریتی و مدیریت حکمت را تقویت می کند [۳۲].

چان با تحلیل محتوای ارزش های اخلاقی ۵۰۰ شرکت برتر، شش بعد فضیلت سازمانی را از طریق تحلیل عاملی تأییدی به شرح زیر مشخص نمود: درستی، همدلی، گرمی، شجاعت، باوجدان بودن و تعصب [۲۲].

اسمال پژوهشی با عنوان حکمت و حکمت مدیریتی معاصر انجام داد و پس از بررسی ادبیات مرتبط با حکمت و تحلیل آنها نتیجه گیری نمود که حکمت پیامد برهم کنش پیچیده عواملی نظیر تفکر (عبادت)، اعتماد، واقعیت و فهم با عامل اصلی توانایی ایجاد قضاوت های خوب می باشد. در کل می توان حکمت را به توانایی افراد بومی در استفاده از دانش انباشته شده و ظرفیت قضاوت های درست در حالات مرتبط با زندگی و رفتار نسبت داد [۳۵]. در جدول (۱) دیدگاه های مختلف در خصوص حکمت و در جدول (۲) برخی از اصول و ارزش های اخلاقی از دیدگاه اسلام و نهج البلاغه خلاصه شده اند.

جدول ۱. دیدگاه‌ها، تعاریف و مطالعات در مورد حکمت

محقق	دیدگاه‌ها و تعاریف در مورد حکمت
پتران [۲۹]	در خصوص مفهوم حکمت مدیران اجرایی، خصوصیات دیالکتیکی از آگاهی و دانش از خود نشان می‌دهند. نظیر تشخیص اینکه تغییر در یک حوزه، کل سازمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا توانایی تشخیص منحصر به فرد بودن افراد و موقعیت‌ها و ظرفیت برای تصمیمات عمل‌گرایانه.
راولی [۳۲]	حکمت به وسیله عمل‌نمایش داده می‌شود و شامل کاربرد ظریف و فرهیخته دانش است و قضاوتی را دربردارد که واقعیت‌های چندگانه و ملاحظات گسترده اجتماعی و اخلاقی را با هم سازگار می‌کند.
گروه مولفان ؛ سوره زمر، آیه ۱۸ [۱۶]	همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندان هستند.
اسمال [۳۵]	حکمت به بهترین وجه از طریق مدل اخلاقی فضیلت‌های معنوی درک می‌شود. زیرا خودش چنین فضیلتی می‌باشد یا محصول چنین فضیلت‌هایی است.
بالتز و کوبزمن [۲۰]	حکمت فقط یک پدیده شناختی نیست بلکه شامل ویژگی‌های انگیزشی، هیجانی و شناختی می‌شود. حکمت دانش و قضاوت تخصصی در مورد سوالات مهم، مشکل و نامطمئن راجع به مفهوم و رفتار زندگی می‌باشد.
کورتنی [۲۳]	دانش شامل توانایی انجام دادن و یادگیری هوشمندانه می‌شود و حکمت اعمال دانش مدار بر مبنای اصول اخلاقی و معنوی را هدایت می‌نماید.
باقریان و همکاران [۴]	هر اندازه درک از اصول و مبانی و پابندی و التزام به آن عمیق تر و شناخت از شرایط و مقتضیات موضوع به واقعیت امر نزدیک تر باشد، تصمیمات حکیمانه تر خواهد بود.
بیرلی، کسلر و کریستنسن [۲۱]	حکمت در ارتباط است با توانایی انتخاب اثربخش و به کارگیری دانش مناسب با توجه به موقعیت.
سینها [۳۳]	از نظر افلاطون خرد حالتی است که افراد با هوش می‌کوشند پس از سال‌ها تحصیل و آموزش بدان نایل شوند. تحصیل خرد به انسان اجازه می‌دهد به کسب حقیقت و واقعیت نهایی یعنی شیوه صحیح و مناسب زندگی دست یابد.
کاکز [۲۶]	حکمت ظرفیت قضاوت و داوری درست است. چیزی که باید برای ایجاد زندگی بهتر در موقعیت‌های ویژه انجام شود.
استرنبرگ [۳۶]	حکمت یک جنبه تلفیقی از زندگی بشر است. حکمت تجربه و توانایی‌های شناختی را در کنار هم جمع کرده و تأثیر می‌گذارد و موجب تصمیمات مناسب در سطح فردی و اجتماعی می‌شود.
مطهری [۱۷]	حکمت تعلیم و برای آگاهی است. حکمت مبارزه با جهل است و با عقل سر و کار دارد. حکمت یاد می‌دهد و بر موجودی ذهنی می‌افزاید. حکمت چراغ است و زبان عقل و برای اندیشیدن.

جدول ۲. اصول، فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی

محقق	اصول، فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی
حکیمی و همکاران [۶]	امام صادق (ع): شایسته نیست آن کس را که عالم نیست سعادت‌مند بخواند، و آن کس که مهربان نیست، پسندیده بشمارند، و آن کس را که شکیبیا نیست کامل بدانند.
حکیمی و همکاران [۶]	امام کاظم (ع): ای هشام! لقمان به پسر خویش گفت: دنیا دریایی ژرف است که مردمان بسیار در آن غرق شده‌اند. چنان کن که کشتی تو در این دریا ترس از خدا، و بار آن ایمان، و بادبان آن توکل، و کشتییان آن عقل، و راهنمای آن علم، و سکان آن بردباری باشد.
گروه مؤلفان؛ سوره نسا، آیه ۵۸ [۱۶]	خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بدهید، و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید.
دشتی؛ حکمت ۱۱۳ [۸]	حضرت علی (ع): سرمایه‌ای از عقل سودمندتر نیست، و تنهایی ترسناک‌تر از خودبینی، و عقلی چون دوراندیشی، و بزرگواری چون تقوا، و همنشینی چون اخلاق خوش، و میراثی چون ادب، و رهبری چون توفیق الهی، و تجارتی چون عمل صالح، و سودی چون پاداش الهی، و پارسایی چون پرهیز از شبهات و زهدی چون بی‌اعتنایی به دنیای حرام، و دانشی چون اندیشیدن، و عبادتی چون انجام واجبات، و ایمانی چون حیا و صبر، و خویشاوندی چون فروتنی، و شرافتی چون دانش، و عزتی چون بردباری، و پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت کردن نیست.
دشتی؛ نامه ۵۱ [۸]	حضرت علی (ع): در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکیبیا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم، نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید.
قمی [۱۵]	پیامبر اکرم (ص): برای آزمایش مردم به زیادی نماز و روزه آنها و کثرت حج و نیکی کردن آنها به مردم و سروصدای آنها در عبادت‌های شبانه توجه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری آنها بنگرید.
طباطبایی [۱۲]	امام صادق (ع): حکمت چراغ معرفت و شناخت، وسیله سنجش تقوا و نتیجه صداقت و راستی است و خداوند نعمتی بزرگ‌تر از حکمت به بنده‌ای عنایت نفرموده است.
تریسی و فریزر [۵]	ارزش‌های بنیادی عبارت‌اند از: احترام، ادب، اعتماد، اهل عمل بودن، ایمان، فروتنی، بخشش، انصاف و بی‌طرفی، تواضع، حق‌طلبی، خدمت به مشتری، خوش اخلاقی، خویشستن داری، خیرخواهی، دانش، مهربانی، شعور و آگاهی و صداقت.
ریچاردسون [۱۱]	ارزش‌های مهم و کلیدی که برای بیشتر انسان‌ها مهم هستند عبارت‌اند از: صداقت، وفای به عهد و پیمان، شکیبایی، برنامه‌ریزی، دلسوزی، قدردانی، اخلاص، ارتباط با خدا، مذهبی بودن، مقدسات، معنویات، درستکاری، از خود گذشتگی، تخصص، صلاحیت، قناعت، مراعات کردن و خانواده.

بیکون و رفیک [۱۹] ایمان، اسلام، تقوا، احسان، امانت، عدالت، مجاهده، وفای به عهد و بر فضیلت های اخلاقی در اسلام می باشند.

با بررسی دیدگاه های مختلف می توان نتیجه گرفت که آگاهی، اصول اخلاقی، ملاحظات اجتماعی و عمل مؤلفه های اصلی حکمت می باشند. با توجه به ابعاد حکمت که در ادبیات موضوع مورد اشاره واقع شد، فرضیه های زیر تعیین شده است.

فرضیه های پژوهش

- ۱) حکمت با اصول اخلاقی در نهج البلاغه رابطه دارد.
- ۲) حکمت با آگاهی در نهج البلاغه رابطه دارد.
- ۳) حکمت با ملاحظات اجتماعی در نهج البلاغه رابطه دارد.
- ۴) حکمت با عمل در نهج البلاغه رابطه دارد.
- ۵) حکمت در نهج البلاغه مورد تأکید است.
- ۶) اصول اخلاقی در نهج البلاغه مورد تأکید است.
- ۷) آگاهی در نهج البلاغه مورد تأکید است.
- ۸) ملاحظات اجتماعی در نهج البلاغه مورد تأکید است.
- ۹) عمل در نهج البلاغه مورد تأکید است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش تحلیل محتوا است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه معکوس بوده که بر اساس مطالعه مبانی نظری موضوع تنظیم شده است. ابتدا کتب و مقاله های مرتبط با حکمت و اصول اخلاقی بررسی، با صاحب نظران در زمینه نهج البلاغه گفتگو و نهج البلاغه سه بار به طور کامل مطالعه شد. سپس سخنان کوتاه حکمت آمیز نهج البلاغه که حاوی مضامین یاد شده بودند، جهت تحلیل محتوای کمی و کدگذاری به عنوان جامعه آماری پژوهش تعریف شدند. در نهایت تحلیل محتوا در مورد جامعه آماری انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها با توجه به اینکه کل جامعه، مورد بررسی قرار گرفته است از مفاهیم آمار توصیفی به تناسب نیاز و نرم افزار اکسل استفاده شده است. مقولات تحقیق از نوع مقولات موضوعی هستند. متن و محتوای مورد تحلیل، ۲۳۸ حکمت از حکمت ها و کلمات قصار نهج البلاغه می باشد که داده های پژوهش از آن استخراج گردیده است. برای سنجش پایایی پژوهش، نمونه هایی از متن مورد تحلیل با روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب و مجدداً کدگذاری شد. ضریب پایایی با استفاده از فرمول تعیین ضریب

پایایی در تحلیل محتوا برابر با ۰,۹۸ محاسبه شد که بیانگر پایایی و قابلیت اعتماد بالای نتایج این پژوهش است. برای حصول اطمینان از اعتبار و روایی پژوهش نیز علاوه بر این که مقوله‌ها و شاخص‌ها با مطالعه مبانی نظری مؤلفه‌های حکمت انتخاب شدند، نظرات و رهنمودهای اساتید راهنما و مشاور و برخی از اساتید دانشگاه راجع به محتوای حکمت‌ها و توان سنجش مؤلفه‌های مورد نظر لحاظ شد.

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌های کمی حکمت‌های منتخب نهج البلاغه به شرح جدول (۳ و ۴) مبنای آزمون فرضیه‌های تحقیق واقع شد. لازم به ذکر است که در تمام مراحل پژوهش سعی شده است بدون دخالت دادن نظرات شخصی، صرفاً به اتکای تحلیل داده‌های کمی حاصل از استخراج مقولات از متن حکمت‌های منتخب نهج البلاغه، نتایج ارائه شود.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های تحقیق از تحلیل محتوای ۲۳۸ حکمت منتخب نهج البلاغه ۴۸۱ مقوله موضوعی منحصر به فرد استخراج شد که فراوانی این مقولات موضوعی ۹۶۵ بوده است. مقوله حکمت ۳۵ بار در حکمت‌های منتخب نهج البلاغه به همراه ۱۳۵ مقوله موضوعی آمده است که ۷۰ مورد از آن با اصول اخلاقی، ۱۵ مورد با آگاهی، ۱۲ مورد با ملاحظات اجتماعی و ۵ مورد با عمل می‌باشد و فقط ۴ بار حکمت با سایر مقوله‌های موضوعی به کار رفته است. بنابراین فرضیه‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ مورد تأیید واقع می‌شوند و می‌توان گفت حکمت با اصول اخلاقی، آگاهی، ملاحظات اجتماعی و عمل رابطه دارد و رابطه با اصول اخلاقی قوی‌ترین می‌باشد (جدول ۳). در مجموع مقوله حکمت ۳۵ بار، مقوله اصول اخلاقی ۴۵۲ بار، مقوله ملاحظات اجتماعی ۱۲۰ بار، مقوله آگاهی ۹۵ بار و مقوله عمل ۵۸ بار در حکمت‌های منتخب آمده است. لذا با توجه به نتایج مندرج در جدول (۴) فرضیه‌های ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹ پژوهش نیز تأیید می‌شوند. بنابراین حکمت در نهج البلاغه مورد تأکید می‌باشد زیرا حکمت به همراه مشتقات آن ۳۵ بار در حکمت‌های منتخب ذکر گردیده است. در حکمت ۷۹ و ۸۰ نهج البلاغه، حکمت، گمشده مومن معرفی شده است. در حکمت ۱۵۷ نهج البلاغه حکمت لازمه یافتن حقیقت بیان شده است. در حکمت ۹۱ و ۱۹۷ نهج البلاغه حکمت موجب نشاط و شادی دل‌ها معرفی شده است. از نظر فراوانی اصول اخلاقی نسبت به سایر مؤلفه‌های حکمت در رتبه اول قرار دارد. بنابراین اصول اخلاقی نیز در نهج البلاغه مورد تأکید است. ملاحظات اجتماعی نیز در نهج البلاغه مورد تأکید هستند.

آگاهی ۹۵ بار در حکمت‌های منتخب نهج البلاغه آمده است. بنابراین آگاهی نیز در نهج البلاغه مورد تأکید می‌باشد. در خصوص عمل ۵۸ مورد در حکمت‌های منتخب نهج البلاغه وجود داشته است. بنابراین عمل نیز در نهج البلاغه به عنوان مؤلفه چهارم مورد تأکید می‌باشد.

جدول ۳. فراوانی رابطه حکمت با مؤلفه‌های آن در حکمت‌های منتخب نهج البلاغه

مقوله موضوعی کلی	کد	فراوانی
اصول اخلاقی	۱	۷۰
آگاهی	۲	۱۵
ملاحظات اجتماعی	۳	۱۲
عمل	۴	۵
آثار اعمال	۶	۲۹
سایر مقوله‌ها	۷	۴
جمع کل	-	۱۳۵

جدول ۴. تحلیل محتوای کمی حکمت‌های منتخب نهج البلاغه

مقوله موضوعی کلی	کد	فراوانی
اصول اخلاقی	۱	۴۵۲
آگاهی	۲	۹۵
ملاحظات اجتماعی	۳	۱۲۰
عمل	۴	۵۸
حکمت	۵	۳۵
آثار اعمال	۶	۱۶۲
سایر مقوله‌ها	۷	۴۳
جمع کل	-	۹۶۵

شاخص‌های اصول اخلاقی و ملاحظات اجتماعی در حکمت‌های منتخب

در مورد شاخص‌های اصول اخلاقی شکیبایی با ۳۱ مورد فراوانی در صدر قرار دارد که این بیانگر اهمیت شکیبایی در حکمت می‌باشد. در حکمت‌های ۳۱، ۸۲، ۱۱۳ نهج البلاغه شکیبایی به نوعی پایه، رأس و یا بهترین ایمان معرفی شده است. شکیبایی در حکمت ۶ به عنوان پوشاننده عیب‌ها، در حکمت ۱۱۳ به عنوان بهترین عزت و در حکمت ۱۷۶ به عنوان ابزار ریاست بیان شده است. شکیبایی در حکمت ۱۵۳ همراه پیروزی، در حکمت ۲۰۶، پشتیبانی مردم، در حکمت ۲۱۱ دهان بند بی‌خردان و حکمت ۲۲۴ همراه فراوانی دوستان آمده است.

همان طور که در جدول (۵) مشاهده می شود، دوستی به همراه مشتقات آن با ۴۱ مورد فراوانی از مهم ترین شاخص های ملاحظات اجتماعی در حکمت های منتخب نهج البلاغه به شمار می آید. در حکمت ۱۲ افراد فاقد دوست ناتوان ترین مردم هستند و از آنها ناتوان تر افرادی هستند که دوستان خود را از دست می دهند. در حکمت ۶۵ از دست دادن دوست، عامل تنهایی معرفی شده است. در حکمت ۶ دوستی به همراه خوش خلقی، در حکمت ۱۴۲ به همراه خردمندی و در حکمت ۲۲۴ به همراه عدالت آمده است.

شاخص های آگاهی و عمل در حکمت های منتخب نهج البلاغه

اگر چه آگاهی به عنوان یکی از مؤلفه های حکمت از نظر تعداد فراوانی در رتبه سوم قرار دارد ولی شاخص دانش، خود با ۴۷ مورد فراوانی، در بین شاخص های آگاهی و همچنین در بین سایر شاخص ها، مهم ترین شاخص می باشد (جدول ۶). در حکمت ۳۱ پایه عدالت دانش معرفی گردیده است. در حکمت های ۵، ۸۱، ۱۱۳ دانش به ترتیب به عنوان ارزش انسان، بهترین میراث و بهترین شرافت مطرح شده است. در حکمت ۹۲ بهترین دانش کردار و بدترین دانش گفتار بیان گردیده است.

عمل گرایی به همراه مشتقات آن با ۲۴ مورد فراوانی از مهم ترین شاخص های عمل در حکمت های منتخب نهج البلاغه به شمار می آید. در حکمت ۴۵۸ عمل گرایی نشانه ایمان معرفی شده است. در حکمت ۱۲۷ سستی در عمل به همراه اندوه آمده و در حکمت های ۹۲ و ۲۸۳ عمل گرایی و دانش با هم آمده اند.

جدول ۵. شاخص های اصول اخلاقی و ملاحظات اجتماعی در حکمت های منتخب نهج البلاغه

ردیف	شاخص های اصول اخلاقی	فراوانی	شاخص های ملاحظات اجتماعی	فراوانی
۱	شکیبایی	۳۱	دوستی	۴۱
۲	بخشندگی	۲۴	کنترل زبان	۲۳
۳	پرهیزگاری	۲۳	پرهیز از دشمنی	۱۷
۴	تواضع	۲۱	مردم داری	۷
۵	نیکوکاری	۲۰	سایر شاخص ها	-
۶	پرهیز از دنیاپرستی	۲۰		
۷	قناعت	۱۷		
۸	اعتدال	۱۶		
۹	ادای حق	۱۳		
۱۰	یقین	۱۲		

۱۱	آخرت گرایی	۱۲
۱۲	دینداری	۱۲
۱۳	آزادگی	۱۱
۱۴	پرهیز از هواپرستی	۱۰
۱۵	خوش خلقی	۹
۱۶	شجاعت	۸
۱۷	ترک آرزوهای دراز	۸
۱۸	به یاد مرگ بودن	۸
۱۹	عدالت	۸
۲۰	شکرگذاری	۷
۲۱	سایر شاخص ها	-

جدول ۶. شاخص های آگاهی و عمل در حکمت های منتخب نهج البلاغه

ردیف	شاخص های آگاهی	فراوان	شاخص های عمل	فراوان
۱	دانش	۴۷	عمل گرایی	۲۴
۲	عقل	۱۶	فرصت ها را غنیمت شمردن	۸
۳	تفکر	۱۳	سایر شاخص ها	-
۴	عبرت آموزی	۹		
۵	سایر شاخص ها	-		

نتیجه گیری

با استفاده از تحلیل داده های کمی، در قالب فرضیه های پژوهش می توان نتیجه گرفت که حکمت با اصول اخلاقی، آگاهی، ملاحظات اجتماعی و عمل رابطه دارد و رابطه آن با اصول اخلاقی قوی تر است. همین طور حکمت و مؤلفه های اصلی آن شامل اصول اخلاقی، آگاهی و ملاحظات اجتماعی و عمل در نهج البلاغه مورد تأکید هستند. علی رغم اینکه مهم ترین مؤلفه حکمت با توجه به حکمت های منتخب نهج البلاغه اصول اخلاقی می باشد. دانش مهم ترین شاخص حکمت به شمار می آید. مهم ترین شاخص های اصول اخلاقی، شکیبایی، بخشندگی، پرهیزگاری، تواضع، نیکوکاری و پرهیز از دنیاپرستی هستند. مهم ترین شاخص های ملاحظات اجتماعی، دوستی، کنترل زبان، پرهیز از دشمنی و مردم داری می باشند. دانش، عقل، تفکر و عبرت آموزی مهم ترین شاخص های آگاهی و عمل گرایی و غنیمت شمردن فرصت ها مهم ترین شاخص های عمل می باشند. بنابراین می توان گفت شخص حکیم در درجه اول باید به اصول اخلاقی پایبند باشد. صبور و شکیبا بوده و با دیگران دوستانه برخورد نماید و از دانش خود

استفاده نموده و فرصت‌ها را غنیمت شمرد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که حکمت بدون آگاهی و توجه به اصول اخلاقی و ملاحظات اجتماعی و نمایش آنها در عمل قابل حصول نمی‌باشد.

پیشنهادها

مدیران جهت به دست آوردن حکمت باید توجه به اصول اخلاقی، آگاهی و ملاحظات اجتماعی و نمایش آنها در عمل را در دستور کار خود قرار دهند. همین طور جهت سنجش یا کسب و توسعه حکمت در سازمان‌ها، اولین شاخصی که باید به آن توجه شود، دانش است. دیگر شاخص مهم حکمت، شکیبایی است که مدیران برای سنجش یا کسب و توسعه حکمت بایستی این ویژگی و صفت را نیز مورد توجه قرار دهند. مدیران برای کسب و توسعه حکمت بایستی شکیبایی را در خود تقویت کرده و خود را به صبر و سعه صدر وادارند. توجه به دوستی، ایجاد روابط دوستانه با مردم و توجه به حقوق آنها از دیگر شاخص‌هایی است که برای ارزیابی، اکتساب و توسعه حکمت باید به آنها توجه شود. مدیران باید نمایش دادن موارد مذکور را در عمل بارها تمرین نمایند تا به کردار تبدیل شده و جزئی از شخصیت ایشان شود.

همان طور که دانش یک درون‌داد برای حکمت است. حکمت نیز درون‌دادی برای رهبری و تصمیم‌گیری در سازمان می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود مدیران جهت تصمیم‌گیری و هدایت و رهبری مؤثرتر در سازمان به حکمت نیز به عنوان یک درون‌داد توجه کند. درک مدیران از دانش و مدیریت دانش نه تنها به وسیله مفهوم سازی آن در ارتباط با مفاهیم اساسی تر داده و اطلاعات تقویت خواهد شد بلکه تبیین مفهوم انتزاعی تر حکمت نیز درک مدیران را از دانش و مدیریت دانش تسهیل می‌کند. عصری که مدیران در حال حاضر در سازمان‌ها با آن مواجه هستند، عصر حکمت می‌باشد و یکی از چهره‌های جدید و متنوع سازمان در قرن بیست و یکم سازمان حکمت محور می‌باشد. پیشنهاد می‌شود مدیران جهت تبیین مفاهیم کلیدی سازمان حکمت محور، مزایا و اهمیت این نوع سازمان و عوامل حیاتی موفقیت آن به مؤلفه‌های اصلی ارائه شده در این پژوهش توجه کنند. با توجه به تأکید نهج البلاغه بر حکمت پیشنهاد می‌شود مدیران در سازمان‌ها در کنار توجه به مدیریت دانش، برنامه‌هایی را نیز جهت توسعه حکمت مدیریتی طراحی کنند. محدود بودن جامعه آماری این پژوهش به کلمات قصار منتخب نهج البلاغه و تأکید آن بر حکمت مدیریتی به جای سایر معانی و مفاهیم حکمت از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد. لذا می‌توان جامعه آماری این تحقیق را به خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه، قرآن و یا سایر منابع اسلامی توسعه داد. همین طور بررسی و سنجش

شاخص‌های فوق در سازمان‌های کشور، راه‌های آموزش حکمت به مدیران و استفاده از آن در بافت مدیریتی و طراحی الگوی سازمان حکمت‌محور به پژوهش‌گران آینده پیشنهاد می‌شود.

منابع

۱. آریان پور کاشانی، منوچهر و دلگشایی، بهرام (۱۳۸۲)، «فرهنگ بزرگ یک جلدی پیشرو آریان پور کاشانی»، تهران، نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه.
۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، «کارآمدی در آموزه های نهج البلاغه»، *مطالعات اسلامی*، ۷۶، ۹-۳۸.
۳. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۶)، «مدیریت عمومی»، تهران، نشر نی.
۴. باقریان، محمد، عابدی جعفری، حسن، امیری، مجتبی، اسکندری، مجتبی و نادری خورشیدی، علی رضا (۱۳۸۰)، «تصمیم گیری حکیمانه: رویکردی به الگوسازی در مدیریت»، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۵. تریسی، بی. و فریزر، کی. (۱۳۸۷)، «مربی توریو: مشاور سریع و قدرتمند شما در راه موفقیت در کسب و کار»، منیرالدین اعتضادی، تهران، انتشارات راشین.
۶. حکیمی، محمد رضا، حکیمی، محمد، و حکیمی، علی (۱۳۸۴)، «الحیات»، احمد آرام، قم، انتشارات دلیل ما.
۷. دادگر، یدالله (۱۳۸۵)، «اخلاق بازرگانی (و کسب و کار) از منظر اقتصاد و اقتصاد اسلامی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۱۰ (۳۸)، ۸۷-۱۲۰.
۸. دشتی، محمد (۱۳۸۲)، «نهج البلاغه»، قم، انتشارات پارسایان.
۹. دونالدوف، هاروی و ورنالداری، براون (۱۳۷۷)، «رویکردی تجربی به توسعه سازمان (مدیریت تحول)»، عباس محمدزاده، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۰. رضائیان، علی (۱۳۷۰)، «مدیریت در عصر حکمت»، *مطالعات مدیریت*، ۱ (۲)، ۳۷-۴۵.
۱۱. ریچاردسون، سی. (۱۳۸۵)، «برای زندگی خود به پا خیزید: برنامه عملی گام به گام برای ساختن اعتماد به نفس و قدرت شخصی»، امیر بهنام، تهران، انتشارات نسل نوآندیش.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۳. فروتنی، زهرا، عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید و درانی، کمال (۱۳۸۶)، «طراحی و مقایسه الگوی تصمیم گیری راهبردی امام خمینی (ره) با برخی از الگوهای تصمیم گیری راهبردی در مدیریت نوین»، فصلنامه دانش مدیریت، ۲۰ (۷۶)، ۶۹-۹۶.
۱۴. فقیهی، ابوالحسن و فیضی، طاهره. (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی: رویکردی نو در سازمان»، دانش مدیریت، (۷۲)، ۲۳-۴۶.
۱۵. قمی، عباس (۱۴۲۲)، «سفینه البحار»، قم، انتشارات اسوه.
۱۶. گروه مولفان (۱۳۸۴)، «قران کریم همراه با شرح آیات منتخب»، تهران، انتشارات محراب قلم.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۵۴). «سیری در نهج البلاغه»، قم، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی.
۱۸. معین، محمد (۱۳۷۹)، «فرهنگ فارسی متوسط»، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.

19. Beekun, & Rafik,. (1997). *Islamic business ethics*. Herndon: VA,IIIT.
20. Baltes, P., & Kubzmann, U. (2003). Wisdom. *The Psychologist*, 16 (3), 131-133.
21. Bierly III, P. E., Kessler. E. H., & Christensen, E. W. (2000). Learning, knowledge and wisdom. *Journal of Organizational Change Management*, 13 (4). 595- 618.
22. Chun, R. (2005). Ethical character and virtue of organizations: an empirical assessment and strategic implications. *Journal of Business Ethics*, 57,269- 284.
23. Courtney, J. F. (2001). Decision making and knowledge management in inquiring organizations: towards a new decision making paradigm for DSS. *Decision Support Systems*, 31, 17- 38.
24. De Burgh, W. G. (1982). *The legacy of the ancient world* (Vol. 1). Baltimore: Penguin Books.
25. Jacques, E., & Clement, S. D. (1991). *Executive leadership: a practical guide to managing complexity*. Cambridge, MA: Cason Hall.
26. Kakes, J. (1995). *Moral wisdom and good lives*. NY and London: Ithaca.
27. Moser, P. K. (Ed.). (2002). *The Oxford handbook of epistemology*. OUP: Oxford.
28. Murphy, P. E., & et al. (2007). An ethical basis for relationship marketing: a virtue ethics perspective. *European Journal of Marketing*, 41 (1/2), 37- 57.
29. Petran, M., P. (2008). *An exploratory study of executive transformational leadership, wisdom, and emotional intelligence in management process turnaround situations*. Unpublished doctoral dissertation, Education Department of Pepperdine university, California.
30. Putman, R. (1993). *Civic tradition*. Princeton University Press.
31. Row, W. (1993). *Philosophy of religion*. California: Wads Worth.
32. Rowley, J. (2006). What do we need to know about wisdom? *Management Decision*, 44 (9), 1246- 1257.
33. Sinha, S. C. (1995). *Dictionary of philosophy*. New Delhi: Anorhl Publication, Pvt, Ltd.
34. Skinner, H. (2005). Towards a typology of virtuous marketing: applying marketing principles and practices to community development work. *The Marketing Review*, 5, 263- 276.
35. Small, M. W. (2004). Wisdom and now managerial wisdom: do they have a place in management development programs? *Journal of Management Development*, 23 (8), 761- 774.
36. Sternberg, R. Y. (Ed.) (1990). *Wisdom: its nature, origins, and development*. Cambridge University Press.